یادداشت

## لزوم جهادتبیین در دفاع مقدس

حسین کنعانی‌مقدم
فعال سیاسی اصولگرا

سرلشکر باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح در دیدار جمعی از فرماندهان دفاع مقدس با مقام معظم رهبری گزارشی دادند و اقداماتی که در این زمینه شده و یا در حال انجام است را اعلام کردند که این می‌تواند خیلی موثر باشد. تک‌تک این اقدامات می‌تواند کمک کننده باشد که ما بتوانیم با جهاد تبیین در دفاع مقدس نسل‌های آینده را نسبت به اتفاقاتی که در آن دوران افتاد و حقایقی که وجود داشت راهنمایی کنیم و آنها را در مسیری قرار دهیم که چون وارثان این ارزش‌ها هستند بتوانند عملکرد خوبی داشته باشند و در عین حالی که این ارزش‌ها را حفظ می‌کنند ارزش آفرینی هم کنند. به عنوان استاد دفاع مقدس در دانشگاه دیدم دانشجویانی که در سر کلاس حاضر می‌شدند تشنه شنیدن حقایق و تاریخ دفاع مقدس با جزئیاتش هستند، چراکه چون خود ما حضور داشتیم حرفمان خیلی موثرتر واقع می‌شد تا کسانی که در دفاع مقدس حضور نداشتند یا فقط خاطرات جنگ را بیان می‌کنند. تا زمانی که فرماندهان، رزمندگان و ایثارگرانی که در دفاع مقدس حضور داشتند و زنده هستند و آثاری از آنها برجای مانده باید از آنها به نحو احسن استفاده کنیم. باید با روش‌های مختلف از هنر گرفته خاطره نویسی، تاریخ شفاهی به صورت دیداری، شنیداری و گفتاری، حضور در مناطق جنگی، کاروان‌های راهیان نور، موسیقی و ابزار دیگری مثل موزه‌های دفاع مقدس برای این مهم بهتر از گذشته انجام و برگزار شود. در غیر این صورت ممکن است که دفاع مقدس به بوته‌ای فراموشی سپرده شود و با تاریخ انقلاب و جنگ تحریف شود و قطعا این ارزش‌ها به جهت اینکه آنها را حفظ نکردیم و ارزش آفرینی نکردیم به مرور زمان می‌تواند کمرنگ شود و نسل آینده هیچ نتیجه‌ای از این همه ایثار و شهادت نگیرد و درسی برای آینده خود برای دفاع از دشمنان نداشته باشد. به هر حال نسل آینده فردا فرماندهان آینده نظام را می‌سازند و ممکن است با جنگ‌های مشابه یا حوادث دیگر مواجه شوند که اگر این تجربیات مستند و به این نسل منتقل شود فرماندهانی خواهیم داشت که با حفظ این ارزش‌ها ارزش آفرینی کرده و از کشور در برابر دشمن دفاع کنند. مقام معظم رهبری هم به این مهم بارها تاکید داشتند که تاریخ جنگ ارزش‌های آفریده شده در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تدوین شود که بتوانند برای نسل‌های آینده خوبی‌های لازم ایجاد شود تا آنها از این ذخیره‌ها استفاده کنند. از طرفی به نظر می‌رسد مشکلی که در حال حاضر داریم این است که طبق آن معماری که حضرت امام(ره) کرده بودند ما باید امت‌سازی یا به تعبیری ملت سازی می‌کردیم و سپس به نهادسازی یا دولت سازی می‌پرداختیم و در نهایت فرهنگ‌سازی، انسان‌سازی و کادرسازی انجام می‌دادیم. این ۴ مقوله در بیانیه گام دوم انقلاب که از سوی مقام معظم رهبری اعلام شد وجود دارد که اگر از هریک از این مولفه‌ها غفلت کنیم یکی از ابعاد انقلاب را از دست خواهیم داد.

دیدگاه

## ضرورت «مجمع عمومی» در دوران چالش برانگیز

ادامه از صفحه اول

بسیاری از کشورهای در حال توسعه دارای جمعیت جوان و رو به رشدی هستند به گونه‌ای که برای دو تا سه دهه آینده، جهان شاهد اختلاف فزاینده‌ای بین کاهش جمعیت در کشورهای توئمند تر و رشد جمعیت در کشورهای کم برخوردار خواهد بود. در بلندمدت، آفریقا نقش کلیدی ایفا خواهد کرد زیرا برپایه پیش‌بینی سازمان ملل بیش از نیمی از رشد جمعیت جهان تا سال ۲۰۵۰ در آفریقا واقع می‌شود. این عدم توازن‌ها منجر به ایجاد جریان‌های بزرگ مهاجرت خواهند شد، زیرا افراد به دنبال فرصت‌های بهتر زندگی هستند و به کشورهای برخوردار سرازیر می‌شوند. همچنین جنگ، بحران پناهجویان را تشدید، برای اینکه مردم از مناطقی مانند سوریه، افغانستان و اوکراین در جست وجوی یافتن امنیت فرار می‌کنند. سازمان ملل با نهادهای زیر مجموعه‌اش مانند سازمان بین‌المللی مهاجرت، سازمان امور پناهندگان و آژانس امداد و کار برای آوارگان فلسطین اولین و کارآمدترین مجموعه برای ترویج نوع همکاری لازم برای مدیریت موفقیت آمیز پدیده مهاجرت و حرکت پناهجویان است. تامین منابع مالی پایدار یکی دیگر از چالش‌های بزرگ سازمان ملل است. ایالات متحده بزرگ‌ترین تامین کننده بودجه این نهاد بین‌المللی است، در دوران ریاست‌جمهوری «دونالد ترامپ»، دولت او بودجه قابل توجهی را به ویژه برای تامین مالی عملیات‌های حفظ صلح و آژانس‌های تخصصی، کم و حتی قطع کرد. البته دولت «جو بایدن» بخش قابل توجهی از بودجه را به معیار قبل دونالد ترامپ بازگشت و حتی تقاضای تخصیص اعتبار بیشتر برای سازمان ملل به کنگره ایالات متحده ارائه داد. علاوه بر این، ناپایداری پرداخت سهم آمریکا در بودجه سازمان ملل تنها مشکل نیست بلکه کمبودهای مالی برای انجام ماموریت‌های پیش‌رو از مشکلات اینده این نهاد بین‌المللی است. در حالی که تغییرات آب و هوایی، رقابت قدرت‌های بزرگ، حرکت پناهجویان و هزینه‌های مالی چالش‌های مهمی هستند که امروز سازمان ملل با آن روبه‌رو است، بسیاری دیگر از نگرانی‌های جهانی نیازمند توجه ویژه هستند. ادامه دار بودن همه گیری سویه‌های گوناگون کووید ۱۹، خطر همه گیری بیماری‌های دیگر ویروسی در آینده، عقب نگه داشته شدن دختران و زنان از پیشرفت، موضوعات مربوط به انرژی هسته‌ای، ناامنی غذایی و تحقق اهداف توسعه پایدار از جمله موارد نگرانی‌های آینده هستند. اکنون نمایندگان کشورها در هفتاد و هشتمین نشست «مجمع عمومی» سازمان ملل در مورد این مسائل و موارد دیگر گفت و شنود خواهند کرد. البته آنها توانا نخواهند بود همه مشکلات جهان و یا حتی ضروری‌ترین آنها را به‌طور شایسته و جامع حل کنند. با این حال، سازمان ملل متحد تنها نهادی است که قادر است کشورهای جهان را برای شنیدن صدای دولت‌هایی که بر نظام جهانی تسلط ندارند و تشویق به راهکار دیپلماسی بین رقبای متخاصم و بحث در مورد مشکلات و راه‌حل‌ها، گرد هم بیاورد.

سردار محمد کوثری در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

# دفاع مقدس جنگ ایران با یک اجماع بین‌المللی بود

- صدام آرزوهایش درباره ایران را به گور برد
- به قدرت رسیدن صدام در عراق یک توطئه از پیش تعیین شده بود
- پذیرش قطعنامه ۵۹۸ با منطق قوی بود
- بنی‌صدر تهدید عراق را جدی نمی‌گرفت
- دشمن تلاش کرد از داخل و خارج انقلاب را تحت فشار قرار دهد

**آرمان ملی - احسان انصاری: جنگ تحمیلی علیه ایران یکی از مقاطع حساس تاریخ ایران است و ایران که تازه انقلاب کرده بود وارد جنگی تحمیلی شد که ۸ سال طول کشید. جنگی که با افراز و نشیب‌های زیادی برای ایران همراه بود و ناگفته‌های زیادی دارد. «آرمان ملی» به مناسبت آغاز هفته دفاع مقدس با سردار محمد اسماعیل کوثری یکی از فرماندهان جنگ و نماینده سابق مردم تهران در مجلس شورای اسلامی گفت‌وگو کرده که در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.**

**◀ جنگ تحمیلی دارای ابعاد مختلفی است که برای نسل جدید همچنان ناشناخته است. مهم‌ترین جنبه‌های ناشناخته جنگ تحمیلی برای نسل جدید چیست؟**

جنگ تحمیلی را باید به سه دوران قبل از جنگ، حین جنگ و پس از جنگ تقسیم کرد که هر دوره نیز دارای ویژگی‌های خاص خود است و اتفاقات متفاوتی در این سه دوره رخ داده است.

درباره هر کدام از این دوره‌ها نیز ساعت‌ها می‌توان صحبت کرد و هر دوره دارای اتفاقاتی که است که در مسیر انقلاب و آینده کشور نقش مهمی داشت. قبل از آغاز جنگ استکبار جهانی توطئه‌هایی را طراحی کرده بود که بتواند نظام را ساقط کند و انقلاب را از بین ببرد. یکی از این توطئه‌ها این بود که صدام حسین که جانشین حسن البکر در رأس قدرت در عراق بود بتواند خواسته‌های آنها را عملی کند. استکبار جهانی به این نتیجه رسیده بود که با حسن البکر نمی‌توانند به اهداف خود درباره مسائل منطقه و همچنین انقلاب اسلامی ایران دست پیدا کنند. به همین دلیل نیز در ۲۶ تیر ۱۳۵۸ صدام را جایگزین حسن البکر کردند و وی قدرت را در عراق به دست گرفت. این در حالی بود که صدام قرد جاه‌طلب و بلندپروازی بود و به همین دلیل غرب می‌توانست از این خصوصیت صدام به سود خود استفاده کند. نکته مهم در این زمینه این بود که زمانی که صدام در عراق به قدرت رسید کشورهای غربی تا آنجا که امکان داشت از وی حمایت کردند و به وی تجهیزات دادند.

> جنگ تحمیلی صرفا یک تهدید خارجی نبود و در زمان شروع جنگ در برخی شهرهای مرزی ضد انقلاب زمینه‌های آشوب و جنگ را فراهم کرده بودند. در برخی مناطق کشور مانند گنبدکاووس، کردستان، خوزستان و برخی از مناطق کشور کوه‌های مسلح وارد کشور شده بودند و تلاش می‌کردند نظم اجتماعی را هم بزنند و کشور را وارد درگیری و آشوب کنند

در نتیجه صدام احساس می‌کرد با تجهیزاتی که در اختیار دارد خیلی زود می‌تواند ایران را که به تازگی انقلاب کرده بود را شکست بدهد. قبل از انقلاب ایران را به عنوان ژاندارم منطقه می‌شناختند و قدرت نظامی اول منطقه به شمار می‌رفت. با این وجود زمانی که صدام به ایران حمله کرد تعداد لشکرها و تیپ‌های نظامی عراق از ایران بیشتر بود. این موضوع نشان می‌داد که کشورهای غربی حمایت همه جانبه‌ای از عراق کرده بودند. البته استکبار جهانی توطئه‌های دیگری را نیز طراحی کرده بود که مهم‌ترین آنها ترور شخصیت‌های طراز اول انقلاب و به هم زدن نظم جامعه بود. به همین دلیل نیز تجمعاتی در شهرهای مختلف کشور ساماندهی شد که هدف اصلی آن به هم ریختن نظم اجتماعی بود. یکی دیگر از توطئه‌هایی که استکبار جهانی دنبال می‌کرد کودتای داخلی بود که مهم‌ترین آن کودتای عقرب بود که در نهایت به کودتای نوژه معروف شد. هنگامی که از این راه‌ها نتوانستند به نتیجه برسند جنگ تحمیلی را به کشور تحمیل کردند.

**◀ چه اتفاقی در عراق رخ داد که تهدیدات داخلی و خارجی نتوانست به اهداف خود دست پیدا کند؟**

وقتی خرمشهر ۳۴ روز در مقابل عراق مقاومت کرد هیات‌های سیاسی از جمله از کشورهای عربی برای میانجی‌گری آمدند، چون از آمریکا و متحدانش به صورت مستقیم از صدام حمایت می‌کردند. از سوی دیگر شوروی سابق نیز از صدام حمایت می‌کرد. هدف آنها این بود که در سه روز استان خوزستان را از ایران جدا کنند. حتی نقشه استان خوزستان را به فرماندهان عراقی داده بودند که براساس این نقشه‌ها عمل کنند. واقعیت تاریخی این است که تنها ارتش بعث عراق نبود که به ایران حمله کرد و بلکه ارتش عراق از سوی قدرت‌های جهانی حمایت می‌شد. در واقع دفاع مقدس جنگ بین ایران و یک اجماع بین‌المللی بود. در چنین شرایطی انقلاب از داخل و خارج تحت فشار قرار گرفته بود. در داخل کشور گروه‌های مختلف تلاش می‌کردند نظم عمومی جامعه را به هم بزنند و از سوی دیگر در بیرون از مرزها نیز عراق به کشور حمله کرده بود. نکته دیگری که در این زمینه وجود داشت خیانت بنی صدر بود. بنی‌صدر به عنوان رئیس‌جمهور و فرمانده کل قوا نه ارتش را آماده کرده بود و نه سپاه را تجهیز کرده بود. فرمان ارتش بیست میلیونی را به نام بسیج مستضعفین حضرت امام(ره) ۱۰ ماه قبل از جنگ تحمیلی صادر کرده بود. این در حالی بود که بنی صدر این فرمان را نیز اجرا نکرده بود.

**◀ در شرایطی که کشور در شرایط انقلاب بود چگونه توانست خود را برای یک تهدید خارجی آماده کند؟**

جنگ تحمیلی صرفا یک تهدید خارجی نبود و در زمان شروع جنگ در برخی شهرهای مرزی نیروهای ضد انقلاب نیز زمینه‌های آشوب را فراهم کرده بودند. در برخی مناطق کشور مانند گنبدکاووس، کردستان، خوزستان و برخی از مناطق کشور گروه‌های مسلح وارد کشور شده بودند و تلاش می‌کردند نظم اجتماعی را هم بزنند و کشور را وارد درگیری و آشوب کنند. با این وجود در هیچ کدام از این مناطق نتوانستند به نتیجه برسند. نکته دیگر این بود که در تیر یا مرداد سال ۱۳۵۹ یعنی یک ماه قبل از آغاز جنگ تحمیلی در کشور، کودتا صورت گرفت. کودتای نوژه نیز توسط سپاه، کمیته و مردم خنثی شد و استکبار جهانی نتوانست به اهدافی که داشت دست پیدا کند. کودتای نوژه حرکتی نظامی بود که چندی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، توسط تنی چند از عناصر ضد انقلاب برای بازگرداندن محمدرضا پهلوی و شاهپور بختیار طرح‌ریزی شده بود. پس از خنثی شدن این کودتا بود که دشمنان انقلاب به این نتیجه رسیدند که چاره‌ای جز این وجود ندارد که یک جنگ تمام عیار را به ایران تحمیل کنند. این اتفاق در حالی رخ داد که کشورهای غربی صدام را در زمینه‌های مختلف تجهیز کرده بودند. حتی کشورهای مرتجع منطقه نیز به صدام کمک می‌کردند.

**◀ جنگ تحمیلی دارای ابعاد مختلفی است که برای نسل جدید همچنان ناشناخته است. مهم‌ترین جنبه‌های ناشناخته جنگ تحمیلی برای نسل جدید چیست؟**

جنگ تحمیلی را باید به سه دوران قبل از جنگ، حین جنگ و پس از جنگ تقسیم کرد که هر دوره نیز دارای ویژگی‌های خاص خود است و اتفاقات متفاوتی در این سه دوره رخ داده است.

درباره هر کدام از این دوره‌ها نیز ساعت‌ها می‌توان صحبت کرد و هر دوره دارای اتفاقاتی که است که در مسیر انقلاب و آینده کشور نقش مهمی داشت. قبل از آغاز جنگ استکبار جهانی توطئه‌هایی را طراحی کرده بود که بتواند نظام را ساقط کند و انقلاب را از بین ببرد. یکی از این توطئه‌ها این بود که صدام حسین که جانشین حسن البکر در رأس قدرت در عراق بود بتواند خواسته‌های آنها را عملی کند. استکبار جهانی به این نتیجه رسیده بود که با حسن البکر نمی‌توانند به اهداف خود درباره مسائل منطقه و همچنین انقلاب اسلامی ایران دست پیدا کنند. به همین دلیل نیز در ۲۶ تیر ۱۳۵۸ صدام را جایگزین حسن البکر کردند و وی قدرت را در عراق به دست گرفت. این در حالی بود که صدام از نظر ساختار نظامی چیزی نداشت. ارتش از هم پاشیده شده بود. صدام بهترین موقعیت را برای حمله به ایران انتخاب کرده بود. اکثر نظامی‌هایی که می‌توانستند کار کنند، به حاشیه رانده شده بودند. شالوده ارتش از هم پاشیده بود. سپاهی تشکیل داده بودند که نهایتا در پادگان ولیعصر خلاصه می‌شد. همه قدرت سپاه در پادگان ولیعصر بود. پادگان ولیعصر باید از یک طرف با ترکمن‌ها، از طرف دیگر با خلق عرب، جدایی‌طلبان غرب کشور و.... مبارزه می‌کرد. روحی که امام(ره) در این فضای سرد دمید موجب شد مردم پای کار بیایند.

**◀ وضعیت ارتش عراق در شرایطی که شیراز ه ارتش ایران از هم پاشیده شده چگونه بود؟**

عراق در آن زمان قوی‌ترین نیروی زمینی را داشت.

**◀ پس چرا به ارتش قوی صدام مقابله کردید؟**

یکی مانده ارتش نقش مهمی در اول جنگ ایفا کرد. آقای خامنه‌ای نماینده امام (ره) در شورای عالی دفاع بودند. آقای جمران هم دیگر نماینده امام بودند. آقای خامنه‌ای، ابراهیم سنجقی را تهران فرستاده بودند که اگر به من ۱۰ هزار نفر با سلاح سبک بدهید، خرمشهر را حفظ خواهم کرد. دو هزار تفنگ در اختیار ما قرار داشت که عموما هم یک برنو و بازو کاپود.» برخی از «هم یکها چکانده هم نداشت و برخی فاقد سوزن بود. ما هم مقداری ۲۳ تهیه کردیم و ۲ هزار نفر را به خرمشهر فرستادیم. سه قطار این سربازان را منتقل کرد. یکی از قطارها با فرماندهی هادی غفاری، دیگری را حسین اخوان و دیگری را ابراهیم سنجقی به خرمشهر منتقل کردند. با چنین تجهیزاتی نیروها به خرمشهر اعزام شدند. حتی داوو هم قوری خود را به خرمشهر رساند و هدایت نیروها را بر عهده گرفت. داوو فرمانده کل نیروهای جنوب بود. بعدها حسن باقری، مسئول اطلاعات عملیات شد. در آن زمان شمخانی، فرمانده سپاه خوزستان بود.

**◀ شما چه مسئولیتی را برعهده داشتید؟**

من در آن زمان مسئول پرسنل بسیج بودم. با دایره دوم تماس گرفتم. سید محمد رضوی آنجا بود. سید مهد گفت: اما مباش صد درصد بدهیم. این در حالی بود که مردم جنگ ندیده بودند! اما همراه بودند. در نتیجه این ما نبودیم که به مردم بگوییم در زمان بمباران باید جاهای را خاموش کنید. خود مردم بودند لامپ‌ها را در زمان بمباران خاموش می‌کردند. مردم خود شیشه‌ها را چسب زده بودند که در اثر موج انفجار شیشه‌ها نشکند. زمان من بنابر مسئولیتی که در بنیاد شهید برعهده داشتم به قدیر مادر سه شهید رفتم. (خاطره مربوط به سال‌های بعد جنگ) یک دختر و دو پسر این مادر شهید شده بودند. جالب اینکه نداشتن دختر موجب سردی رابطه این خانم با شوهرش شده بود و با توسل به حضرت زهرا(س) دختری به دنیا آورد به بود که موجب گرمی خانه آنها شده بود. اول انقلاب این دختر در گروه‌های جهادی معلم بود. بعد از نامین شدن محیط خرمشهر شهید جهان آرا یک سلاح به او داده بودند! او مواجهه با دشمن شهید می‌شود. مادر این روایت کرد که جنازه این دختر را به همراه فرزند پسرش در تنهایی خاکسپاری می‌کند. در ۲۰ روز بعد از فوت دخترش پسرش هم شهید می‌شود. یک پسر دیگر این زن در کربلای ۵ شهید شده بود. آنچه موجب همراهی مردم در آن زمان شد، شیوه عمل مسئولان بود. زمانی که یک سرباز به جبهه می‌رفت هیچ هزینه‌ای بین خود و فرمانده نمی‌دید. فرمانده هم با برخورد از از هیچ چیز نمی‌دانست. شاید باورتان نشود اما سپاه و بسیجی در جبهه شاید مجلل‌تر از سفره فرمانده بود. فرمانده نه به خط ما قند می‌دادند اما دولت وقت قند روستایی‌ها را یکزا کرده بود در برابر قطار این مردم قند ساعت امام(ره) ۱۶ کیلو بود. همان قند روستایی ما به جبهه‌ها ارسال می‌شد.

**◀ سیدعلی صنیع خانی، رزمنده دفاع مقدس، بسیجی! این‌ها یی که می‌گویید، افسانه نیست؟**

چه افسانه‌ای پسرجان این موارد واقعیت‌های آن روز ایران بود. آن روزها همه با هم یکی بودیم. من از آبادی می‌دانستم در سفره‌ام همانی است که در سفره مسئولان است.

**◀ اما حاج آقا وقتی من خبرنگار امروز به منزل برخی وزرا می‌روم اینگونه نیستند.**

به درست است. اساسا چرا انتظارات زیاد است؟ شما فکر می‌کنید که در حال حاضر مردم در مقایسه با دوران جنگ وعده‌های غذایی کمتری می‌خورند؟ این طور نیست که مردم کمتر از ۳۰ سال پیش بخورند. در گذشته کم می‌خوردند و راضی بودن به کم خوردن! چون نمی‌دیدند آنها کم می‌خوردند اما فلان وزیر یا اساسا رئیس‌جمهور یا نخست وزیر بیشتر می‌خوردند اما الان احساس می‌کنند مسئولان سفرهای رنگی دارند. مردم امروز احساس می‌کنند که نمی‌خورند چون دیگران بیشتر می‌خورند. در آن زمان هم می‌گفتند هم مانند هم هستیم. اگر من نمی‌خوردم بالادستی من هم نمی‌خورد.

**◀ آقای صنیع خانی مسئولان واقعا مانند شما که بچه نازی آباد بودید زندگی می‌کردند؟**

بله. شک نکنید. روزی من دخمت نخست وزیر رفتم. البته آنچه که الان بادم می‌آید در آن موقع آقای موسوی نخست وزیر بودند و مشاور رئیس‌جمهور بودند. موسوی گفت: حقوق وزرا ۷ هزار تومان بود. دخمت گفت این ۷ هزار تومان که در سال است. برج بعد ۱۰ هزار تومان به وزرا حقوق پرداختیم. تعدادی از وزرا آمدند و ۳ هزار تومان اضافی را روی میز من گذاشتند و گفتند هم‌اکنون همان حقوق قبلی کافی است. رضا کنگرلو، برادر محسن کنگرلو که آوردن ملک فالین به ایران کار وی بود، در دفتر نخست وزیر کار می‌کرد اما عنوانی نداشت. کنگرلو برای من تعریف کرد روزی نخست وزیر به به من فیش حقوقش را داد که ۳۵۰۰ تومان بود. (حقوق بسیجی از ۲۴۰۰ تا ۳۵۰۰ تومان) بود. به نخست وزیر گفته بود واقعا ۳۵۰۰ می‌گیری اینکه کمه! نخست وزیر گفته بود تو جقدر می‌گیری گفته بود ۶۰۰۰ تومان. کنگرلو به نخست وزیر گفته بود این مبلغ که خیلی کم است. نخست وزیر پاسخ داده بود من نخست وزیر این مملکتم! البته این حداقل کاری بود که میرحسین باید انجام می‌داد فرماندهان جنگ هم همین موارد را رعایت می‌کردند. من از سپاه به شرکت بازرگانی و در شرکت گسترش ماموربودم. معاونت اداری و مالی به من نامه زد که حقوق شما در این سازمان ۱۳۷۵۰ تومان است. اعلام کنید که شما از سپاه چقدر حقوق می‌گیرید که مابه‌التفاوتش را تقدیم کنیم. این مورد استثنا هم نبود یک قاعده بود. من به آن آقا جواب دادم که از سپاه ۵۰۰۰ تومان حقوق می‌گیرم. ۲۵۰۰ تومان هم برای مسکن کمک دریافت می‌کنم و با ۷۵۰۰ تومان اموراتم می‌گذرد. بررسی کنید! اگر مقررات اجازه می‌دهد این ما به التفاوت در اختیار انجمن اسلامی و یا بسیج قرار بگیرد که به کارمندان مشکل دار کمک شود. قطعا شما الان من ما می‌گویید را کار بودم. در صورتی که این طور نیست همه این کار را می‌کردند. از رئیس‌جمهور تا نخست وزیر تا وزرا تا حتی فرماندهان جنگ. بسیاری این کار را می‌کردند. البته شما الان باز می‌گویید من افسانه می‌گویم(خنده) حاج آقا بازهم از این موارد بگویید که در تاریخ ثبت شود!

یکی از مسئولان را می‌شناختم که برنج لانه تهیه می‌کرد. در منزل الک می‌کرد. ریزترها را دور می‌کرد و درشت‌ها را پلو. در این شرایط همین فرد اضافه حقوق خود را دریافت نمی‌کرد. کارمند وی این مورد را می‌دید. سرباز وی این عمل را مشاهده می‌کرد. در نتیجه وقتی کردند. فرمانده کل قوا بعد از فرار بنی‌صدر در دست فردی بود که هم انقلاب را به پیروزی رساند، هم مرجع دینی و سیاسی مردم بود و هم اینکه الگوی رزمندگان (همان‌گونه که خودشان هم مطرح می‌کردند)، حضرت اباعبدا...الحسین(ع) بود که در مقابل زورگویان و زیاده‌خواهان و جنایتکاران عالم ایستاده بود. رزمندگان هم به تاسی از این الگو جلوی دشمن ایستادند.

> پذیرش قطعنامه در آن مقطع توسط امام (ره) متکی به یک منطق قوی بود. دولت آن زمان گفته یک روز هم از دو سال جنگ نمی‌تواند حتی یک روز هم از جبهه‌ها پشتیبانی کند درنتیجه حضرت امام چنین حرفی را پذیرفتند. البته دولت حق داشت. عراق از جانب تمام دنیا پشتیبانی می‌شد ولی ما تحریم بودیم. از طرفی هم آمریکا هواپیمای مسافربری ایران را قبل از قبول قطعنامه زده بود. البته این به آن معنی نبود که نتوانیم مقابله کنیم. ما در همان زمان نیز بالاترین تعداد نیرو را در طول جنگ هشت سال داشتیم طوری که در دوکوهه دیگر جا نداشتیم. به لطف خدا نیز نگذاشتیم یک وجب از خاکمان به دست دشمن بیفتد و صدام نیز از روهایش را به گور برد.

**◀ درباره پذیرش قطعنامه ۵۹۸ روایت‌های زیادی وجود دارد. دیدگاه شما در این زمینه چیست؟**

قطعنامه ۵۹۸ زمانی کلید خورد که نیروهای ایرانی در غرب کانال ماهی، نزدیک تنومه و بصره بودند. مجامع بین المللی چون منافع‌شان را در خطر می‌دیدند از همان زمان به فکر این مطلب افتادند که خواسته‌های ایران را در قطعنامه بگنجانند تا ایران دست از عملیات بردارد. عملیات والفجر ۸ در سال ۶۴ و کربلای ۵ در سال ۶۵ باعث شد که تمام ابرقدرت‌ها به‌طور قطع الیقین باورشان بشود که ایران قدرت لازم را دارد تا بتواند حق خودش را بگیرد و شوخی با دشمن ندارد. این شد که در ۲۹ تیر ماه ۶۶ در سازمان ملل قطعنامه ۵۹۸ مصوب شد. ولی هنوز ایران نپذیرفته بود. اواخر سال ۶۶ بود که ما عملیات والفجر ۱۰ را انجام دادیم. عراقی‌ها که مجوز گرفته بودند به‌دلیل ضعف در مقابل ایران به کاری دست زدند که جگر هر انسانی را به درد می‌آورد. آنهم حمله شیمیایی به حلبچه بود. در حلبچه حدود ۵ هزار نفر از زن و مرد، پیر و جوان و حتی بچه‌های شیرخوار به شهادت رسیدند. البته عراقی‌ها از سال ۶۲ از سلاح شیمیایی استفاده می‌کردند ولی اوج این حملات حلبچه بود. پذیرش قطعنامه در آن مقطع توسط امام(ره) متکی به یک منطق قوی بود. دولت آن زمان گفته بود که نمی‌تواند حتی یک روز هم از جبهه‌ها پشتیبانی کند درنتیجه حضرت امام چنین حرفی را پذیرفتند. البته دولت حق داشت. عراق از جانب تمام دنیا پشتیبانی می‌شد ولی ما تحریم بودیم. از طرفی هم آمریکا هواپیمای مسافربری ایران را قبل از قبول قطعنامه زده بود. البته این به آن معنی نبود که نتوانیم مقابله کنیم. ما در همان زمان نیز بالاترین تعداد نیرو را در طول جنگ هشت سال داشتیم طوری که در دوکوهه دیگر جا نداشتیم. به لطف خدا نیز نگذاشتیم یک وجب از خاکمان به دست دشمن بیفتد و صدام نیز از روهایش را به گور برد.

**◀ پذیرش قطعنامه در آن مقطع توسط امام (ره) متکی به یک منطق قوی بود. دولت آن زمان گفته یک روز هم از دو سال جنگ نمی‌تواند حتی یک روز هم از جبهه‌ها پشتیبانی کند درنتیجه حضرت امام چنین حرفی را پذیرفتند. البته دولت حق داشت. عراق از جانب تمام دنیا پشتیبانی می‌شد ولی ما تحریم بودیم. از طرفی هم آمریکا هواپیمای مسافربری ایران را قبل از قبول قطعنامه زده بود. البته این به آن معنی نبود که نتوانیم مقابله کنیم. ما در همان زمان نیز بالاترین تعداد نیرو را در طول جنگ هشت سال داشتیم طوری که در دوکوهه دیگر جا نداشتیم. به لطف خدا نیز نگذاشتیم یک وجب از خاکمان به دست دشمن بیفتد و صدام نیز از روهایش را به گور برد.**

**◀ به قدرت رسیدن صدام در عراق یک توطئه از پیش تعیین شده بود**

سقوط ایران ناامید شده بودند و حضرت امام خمینی (ره) هم به آنها فرمودند: اگر شما اختیار تصمیم گیری دارید بگویید عراق به لب مرز برگردد تا مذاکره کنیم. از سوی دیگر، رزمندگان اسلام با انگوگیری از امام حسین (ع)، جبهه‌ها را پر از معنویت کردند و حضور پرشور و عاشقانه نیروها در جبهه‌ها به‌خاطر وجود محبت، صفا، رفاقت و برادری واقعی بود، آنها با خدا خالصانه معامله کردند و همین امر هم باعث شد نه تنها در برابر دشمن متزلزل نشویم بلکه هر روز طراحی‌های دقیق انجام شد که عملیات‌های پیروزمند ثامن‌الائمه (ع)، طریق القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس از جمله این طراحی‌ها بود. عامل پیروزی ما در جنگ تحمیلی توکل به خدا بود و شاید حماسه نیروهای ما برای بعضی‌ها افسانه باشد، اما واقعیت است و اگر امروز بر یاد کردن از شهدا وجود دارد به دلیل حماسه آفرینی آنهاست. در تاریخ ۲۰۰۰ سال اخیر، دفاع مقدس می‌درخشد، چون در این دوره تاریخی اجازه ندادیم که تنها در برابر دشمن مقاومت کنیم در اصل باید گفت که ملت در مشرق غلبه کردند، همان گونه که در دوران صدر اسلام، ما حقیقتا با هدایت امام راحل و در صحنه بودن یاران ایشان، همه انسجام پیدا کرده و خودشان را پیدا کردند و در نهایت توانستند در مقابل دشمن صف‌آرایی کنند. بعد از فرار بنی‌صدر که دقیقا تیرماه سال ۶۰ اتفاق افتاد، با وحدت بسیار خوب و با فرماندهی حضرت امام (ره) کار جنگ دنبال شد و ضعف‌هایی که در ۹ ماهه اول جنگ وجود داشت، برطرف شد. در اثر انسجام و یکپارچگی و وحدت برنامه‌ها طراحی شد و در نهایت عملیات‌ها یکی پس از دیگری با موفقیت پشت‌سر گذاشته شد و رزمندگان توانستند بر دشمن غلبه پیدا کنند که در اصل باید گفت که ملت در مشرق غلبه کردند. همان گونه که در دوران صدر اسلام، دشمن تلاش کرد از داخل و خارج انقلاب را تحت فشار قرار دهد و حالا دشمن از روحیه شهادت‌طلبی و ایثار جوانان واهمه دارد، چون می‌ترسد این تفکر و مکتب به جوانان مسلمان دیگر کشورها منتقل شود. مردم ایران همواره برای بیرون راندن دشمن خارجی از کشور انگیزه بیشتری داشته‌اند. در زمان جنگ هم دشمن به خاک کشور ما حمله کرده بود برای همین مردم منسجم و متحد شدند.

**◀ بنی‌صدر تهدید عراق را جدی نمی‌گرفت**

بنی‌صدر بعد از یک ماه یا حتی قبل از شروع جنگ، بهانه آورد و این بهانه را علنی کرد که نیروهای مسلح اجازه نمی‌دهند وی کار کند. حضرت امام (ره) برای اینکه این بهانه را از بنی‌صدر بگیرد، فرماندهی کل قوا را به او داد. بنی‌صدر به جای اینکه وحدت ایجاد کند، در پی ایجاد تفرقه بود. هر چه به بنی‌صدر گفته می‌شد که قرار است عراق حمله کند، وی قضیه را طور دیگری وانمود می‌کرد و می‌گفت چنین خبرهایی نیست و شما اصلا نمی‌دانید جنگ چیست و چه حساب و کتابی دارد و خودش را همه کاره و عالم به موضوع می‌دانست و نهایت این شد که دشمن حمله کرد. اما حقیقتا با هدایت امام راحل و در صحنه بودن یاران ایشان، همه انسجام پیدا کرده و خودشان را پیدا کردند و در نهایت توانستند در مقابل دشمن صف‌آرایی کنند. بعد از فرار بنی‌صدر که دقیقا تیرماه سال ۶۰ اتفاق افتاد، با وحدت بسیار خوب و با فرماندهی حضرت امام (ره) کار جنگ دنبال شد و ضعف‌هایی که در ۹ ماهه اول جنگ وجود داشت، برطرف شد. در اثر انسجام و یکپارچگی و وحدت برنامه‌ها طراحی شد و در نهایت عملیات‌ها یکی پس از دیگری با موفقیت پشت‌سر گذاشته شد و رزمندگان توانستند بر دشمن غلبه پیدا کنند که در اصل باید گفت که ملت در مشرق غلبه کردند.

**◀ دشمن تلاش کرد از داخل و خارج انقلاب را تحت فشار قرار دهد**

سردار سیدعلی صنیع خانی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

# در زمان جنگ مردم مزیتی بین خود و مسئولان نمی‌دیدند

- سفره یک بسیجی در جبهه مجلل‌تر از سفره فرمانده بود
- مردم در زمان جنگ می‌دانستند بالادستی‌ها بیشتر تحمل می‌کنند

**آرمان ملی - احسان اسقایی: جنگ، واژه‌ای است که لرزه بر اندام‌های می‌اندازد. کلمه‌ای که بسیاری از آن هراس دارند اما ملت ایران ۸ سال به صورت مستقیم و روزمره با آن دست و پنجه نرم کردند و بعد از قطعنامه ۵۹۸ نیز هرچند خبری از توپ و تانک و مسلسل نبود اما فشارهای ناشی از تحریم‌ها کمتر از شرایط جنگ ۸ ساله نبود. حتی برخی معتقدند مردم در آن ۸ سال مشکل اقتصادی چندانی نداشتند و معاش آنها تامین بود. «آرمان ملی» به بهانه سالگرد دفاع مقدس با سیدعلی صنیع خانی از اعضای اولیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی فردی که این روزها موسسه نازی آبادی‌ها را با حضور بخشی از بچه‌های جبهه و بخشی از فعالان سیاسی اصلاح‌طلب و اصولگرا تشکیل داده و قصد دارد از تجربیات آنها برای آغاز یک محاذه‌ای «نازی آباد» استفاده کند و در زمان آغاز جنگ تحمیلی در کنار جاجاوداد کریمی، سردار پرافتخار جبهه‌های جنوب ایران نقشی محوری در حضور نیروهای مردمی و حتی جمع آوری کمک‌های مردم